شهید قاسم سلیمانی

شهید ابومهدی المهندس

شهید مصطفی چمران

شهید ادواردو آنیلی

شهید حسن شاطری

شهید حسن طهرانی مقدم

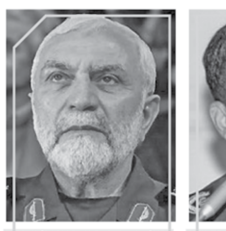
شهید حسین همدانی

شهید محسن فخری‌زاده

شهید صیاد شیرازی

شهید محسن حججی

شهید سیدمحمدباقر حکیم

شهید عماد مغنیه

شیخ ابراهیم زکزاکی

دکتر رمضان عبدالله

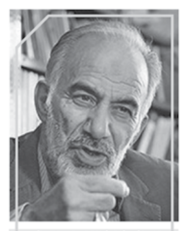
سردار ابراهیم محمدزاده

سیدحسن نصرالله

ققنوسی از دل آتش

مصاحبه با خانواده شهید سید مهدی آل‌عمران

حیاط خانه پر از کبوتر است به گفته صاحبخانه تعداد بالای شصت کبوتر آن هم به قدمت بیش از ۵۰ سال گذر زمان با حیاط این خانه خو گرفته‌اند. نه از قفس خبری است و نه از مراقبت خاصی.تنها گوشه‌ای ازحیاط خانه را اشغال کرده‌اند. انگار همراه با ادب مهمانی، تعهد ماندن در این خانه را هم برخود واجب کرده‌اند و جَلد این خانه شده‌اند. طی این سالها همسایه‌ها در این محله قدیمی اهواز، برای کبوترها نذری می‌آورند از گندم گرفته تا غذا...گذر از کنار صفای این همه کبوترما را وارد یک اتاق کوچک با درب فلزی می‌کند.صدایی از داخل اتاق می‌گوید بفرمایید...لحظاتی بعد با چند لیوان شربت سکنجبین، روی یک تخت چوبی کنار یک ساعت زنگدار، پیچکی در گلدان و عکس جوانی آری پی چی به دست، ذوق نگاهمان را به نفس‌های گرم بی‌بی سکینه سپرده ایم و از مادر شهید سید مهدی آل عمران است.

مادر که انگار دفتر انشای زندگی اش را برای ما مشق می‌کند می‌گوید؛ سید مهدی متولد ۱۳۴۲و فرزند سوم خانواده است.از او می‌پرسم که سید مهدی موقع حضور در جبهه چند سال داشت؟ پسر دیگرش را که حالا سن و سالی از او گذشته است و در آشپزخانه کارهای عقب افتاده ی مادر را انجام می‌دهد را صدا می‌زند و می‌پرسد: آقا مصطفی، سید مهدی چند سالش بود؟ آقا مصطفی دست‌های خیسش را خشک می‌کند، روی مبل می‌نشیند و درحالی که لیوان شربت را تعارف می‌کند، می‌گوید: با هم در جبهه بودیم، سید مهدی نوزده سالش بود و من هم دو سال از او کوچک‌تر بودم. از همان ابتدا که انقلاب شد هر دو در جهاد سازندگی در قسمت تعمیرگاه مشغول به کار شدیم.جنگ تحمیلی که آغاز شد ما ماشین‌های جبهه را تعمیر می‌کردیم.موقعی هم که عملیات می‌شد به منطقه می‌رفتیم.آقا سید مهدی به عنوان تخریب چی و من هم به عنوان آرپی‌چی زن تحت آموزش قرار گرفتیم.در عملیات بیت المقدس با هم بودیم اما بعد از آن از هم جدا شدیم و او که به عنوان بسیجی وارد جبهه شده بود بعد از چند وقت که زمان خدمت سربازی اش رسید به کردستان اعزام شد و وارد ارتش شد که در آنجا هم در اثراصابت ترکش و موج گرفتگی مجروح شد.خدمت سربازی اش که تمام شد سال ۶۳ بود که وارد لشکر حضرت ولی‌عصر(عج)، گردان جعفر طیار شد و به عنوان آرپی‌جی زن در عملیات بدر در جزیره مجنون شرکت کرد.

بی بی‌سکینه آرام نشسته است و هرازگاهی با گفتن واژه‌ای سعی می‌کند در بازیابی خاطرات به سید کمک کند، رو به مادر شهید می‌پرسم سید مهدی مجرد بود؟ در حالی که لبخند ملیحی بر لبانش نقش گرفته است، می‌گوید خودش خیلی دوست داشت که ازدواج کند، سربازی اش تمام شده بود که یک روز گفت؛ من زن می‌خواهم.پدرش در جواب به او گفت؛ هر وقت دیگر به جبهه نرفتی برایت زن می‌گیرم.باید بین زن گرفتن و جبهه رفتن یکی را انتخاب کنی که سید مهدی در جواب گفته بود؛ من اگر ازدواج کنم باز هم به جبهه خواهم رفت، اما استدلال پدر این بود که نمی‌تواند دختری را آرزو به دل بگذارد که در مقابل این تصمیم،سید مهدی گفت تا جنگ هست من هم باید به جبهه بروم و به همین خاطر قید ازدواج را زد.

جان کلام سرزندگی اش را بر زبان برادر شهید فرش می‌کند و او از بی‌قراری و اضطراب برای برادرش می‌گوید؛ من و سید مهدی در یک عملیات بودیم ولی تیپ و لشکرمان با هم فرق داشت و از حال هم بی‌خبر بودیم.عملیات طول کشیده بود، در یکی از همین روزها من به شدت بی‌قرار سید مهدی شدم از فرمانده خواستم اجازه دهد برای چندساعتی هم که شده بروم و ازحال برادر و خانواده ام خبری بگیرم. به خانه که رسیدم ابتدا از حال سید مهدی خبر گرفتم. گفتند:که زخمی شده و او را به تبریز برده‌اند در حالی که نیم‌ساعت از آمدن من نگذشته بود و من هنوز با همان لباس‌های بسیجی در حیاط خانه ایستاده بودم زنگ در به صدا درآمد، همسایه بود. از تبریز با او تماس گرفته بودند و او خبر شهادت سید مهدی را آورده بود.این‌جا بود که من علت بی‌قراری و نخوابیدن‌های آن شبم را فهمیدم. ما هر دو درعملیات بدر بودیم اما مکان اجرای عملیاتمان با هم یکی نبود من در تیپ ۷۲ محرم بودم و از اتفاقاتی که برای برادرم افتاده بود بی‌خبر بودم حتی زمانی که او را به تبریز برده بودند من هنوز در منطقه بودم. در عملیات بدر سیدمهدی در حالی که دیگر یک آرپی چی زن حرفه‌ای شده بود به گفته همرزمانش بعد از شلیک‌های متعددی آرپی‌جی و انهدام بسیاری از اهداف، توسط دشمن محاصره می‌شود و با گلوله اسلحه کالیبر ۵۰ از ناحیه شکم مورد اصابت قرار گرفت و به نخاع او می‌رسد و سپس توسط همرزمانش به عقب برگردانده و به بیمارستان سینا در اهواز منتقل شد و به دلیل شدت جراحات و قطع نخاع شدن به تبریز اعزام می‌شود.

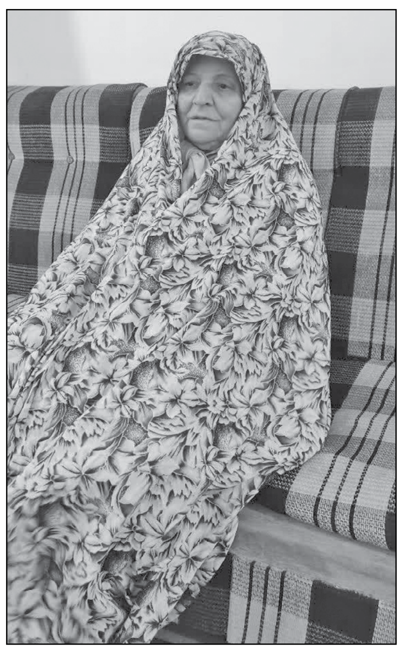

مادر نگاهش آرام است مثل این می‌ماند که شاخ و برگ روییده از جان کلامش بر تنومندی عقیده اش آواز افتخار می‌خواند و این چنین از ماجرای یک صبح پرتلاطم پرده برمی‌دارد.

یک روز صبح زنگ در خانه به صدا درآمد،بچه‌ها در را بازکردند. دوستان سید مهدی بودند خبر زخمی شدن او را آوردند با اینکه منتظر بودم تا پسرم بیاید و او را ببینم اما با وجود شنیدن این خبر خدارا شکر کردم و سریع خود را به بیمارستان رساندم که به دلیل وخامت حالش از اهواز به تبریز اعزام می‌شود.

راز صبوری مادر

از بی‌قراری مادربعد از شهادت سید مهدی می‌پرسم اما او در حالی که چین و چروک دستانش را سخاوتمندانه به نوازش چشمهایش روانه کرده است با لحنی قاطع ابرو درهم می‌کشد و می‌گوید؛مگر می‌شود مادری بی‌قرار فرزندش نشود.من به خدا توکل کردم و با خواندن قرآن خصوصا سوره والعصر و عبادتهای شبانه توانستم صبوری کنم.

شجاعت ویژگی بارز شهید

سید مصطفی از برادرش می‌گوید؛ شهید بزرگوار حس شجاعت عجیبی در وجودش بود و من تعبیرم این است که این نشأت گرفته از رگ و ریشه سید بودن اوست که در جدمان پیغمبر خدا وجود داشته است.

ماجرای قبر

پسرعموی ما در عملیات بیت المقدس شهید می‌شود بعد از آن سید مهدی وصیت می‌کند که اگر شهید شد او را در کنار پسرعمویمان دفن کنند. بعد از شهادت سید مهدی، شهردار وقت اهواز، اجازه نمی‌داد او را در جایی که وصیت کرده بود دفن کنند. می‌گفتند قبرها همه پر هستند.اطراف پسر عموی ما هم شهدای دیگری دفن بودند عملا و به ظاهر جایی برای دفن نبود. از آنجایی که خدا می‌خواست وصیت شهید بر زمین نماند یک تکه زمین کنار قبر پسرعموها پیدا کردیم. اما کارکنان شهرداری چون احتمال می‌دادند مرده قدیمی در آن تکه زمین باشد. اجازه کندن نمی‌دادند. ما زمین را کندیم به خواست خداوند هیچ مرده قدیمی در آن تکه زمین نبود.

دیدار امام(ره)

هر چند وقت یک‌بار جوانان را جمع می‌کردند و به دیدار امام می‌بردند.سید مهدی هم جزء همان جوانهایی بود که به دیدار امام(ره)رفته بود و بعد از دیدار امام خیلی بی‌قرار شد.

از هشت‌سالگی نماز می‌خواند

احترام پدر و مادرش را داشت. هیچ وقت به ما تندی نکرد. او از هشت‌سالگی نماز می‌خواند به این‌جای گفت‌وگو که رسیدیم مادر شهید با لبخند مهربانش که دوباره بر چین و چروک صورتش سایه مهرمی‌اندازد و خاطره‌ای را بازگو می‌کند؛ آن موقع‌ها خیابان‌ها خلوت بود.پدر بچه‌ها موقع نماز که می‌شد دست پسر بچه‌هایش را می‌گرفت و به مسجد می‌برد. همسایه‌ای داشتیم که گاهی مرا صدا می‌زد و با خنده و با لهجه شوشتری می‌گفت؛ «بی‌بی! بی‌بی! باز هم سید طفلون رو برد مسجد.»

شصت سال روضه

حرف‌های ما از گفتن در مورد اعضای خانواده و به خود خانه و در و دیوارش رسیده است. برادر شهید می‌گوید این خانه متعلق به پدربزرگ حاج صادق آهنگران بوده است که بعدها طی معامله‌ای به پدربزرگ ما فروخته شده است. قبلا چند در چوبی داشت که ما آن را تغییر دادیم.نزدیک به شصت سال هست که به جز محرم و صفر هر روز در این خانه روضه برگزار می‌شود.

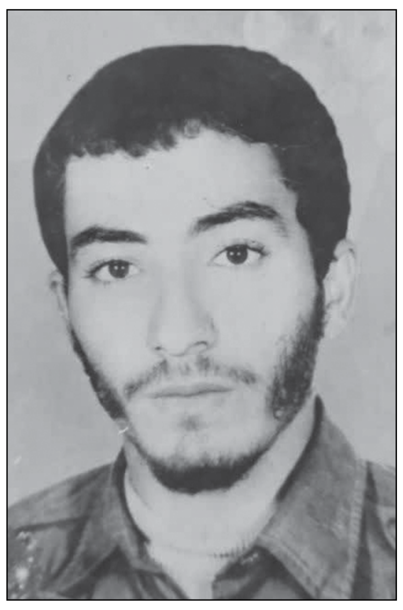

شیرینی خاطرات

من و سید مهدی سرکار با هم ماشین تعمیر می‌کردیم، موقع جابه جایی وسایل دنبال آچار و بقیه وسایل که می‌گشتیم درحالی که بقیه مشغول کارشان بودند، یک دفعه یک وسیله آهنی را محکم به در می‌کوبید همه جا می‌خوردند و هیجان زده می‌شدند و همه با هم می‌خندیدند.

جنازه‌های سوخته

در عملیات بیت المقدس ما اولین گروهی بودیم که می‌خواستیم به پادگان حمید برسیم که به خاطر سنگینی عملیات مجبور به عقب‌نشینی شدیم.عملیات تقریبا ۲۸روز طول کشید.یک هفته بعد برگشتیم.با صحنه دردناکی مواجه شدیم.بچه‌هایی که در کانال زخمی مانده بودند، بعضی‌ها دستهایشان را بسته بودند و آنها را سوزانده بودند. ناگفته نماند که در این عملیات سید مهدی به همرا حشمت ترک‌زاده به عنوان تخریب چی و خنثی‌کننده مین، معابر را پاک‌سازی می‌کردند.

شهادت نصیب هرکس نمی‌شود

آقا سید مصطفی با لبخندی تلخ ادامه می‌دهد که رزمنده‌ها شهید شدند چون لیاقت داشتند و ما از قافله عقب ماندیم. در جبهه صحنه‌هایی دیدم که برایم یقین شد شهادت لیاقت می‌خواهد.بارها می‌شد که در عملیاتی هزاران گلوله بر سرما فرود می‌آمد، هواپیماها بمباران می‌کردند، بمب آتش زا می‌زدند و کسانی بودند که با ترکش و گلوله خمپاره به شهادت می‌رسیدند. عجیب اینکه در همان لحظه من و برخی دیگر در همان وضعیت سنگین اتفاقی برایمان نمی‌افتاد. می‌خواهم بگویم که ما به چشم خود دیدیم که تیر و ترکش و گلوله که مثل باران برسرمان فرود می‌آمدند به هرکسی برخورد نمی‌کردند. در واقع ما معجزه و حضور خدا را احساس می‌کردیم.

شهیدبهشتی

یک روز در جهاد دانشگاهی ما را برای سخنرانی جمع کردند که متوجه شدیم شهید بزرگوار شهید بهشتی هستند که با وجود تبلیغاتی که آن زمان می‌کردند که مسئولین در جبهه‌ها حضور ندارند، ما شاهد حضور مسئولین وقت بودیم.

کلام آخر از زبان مادر

سید مهدی بچه که بود چهار بار از ناحیه دست و پا و چشم دچار سوختگی شد.بارها شب‌ها تا صبح بیدار می‌ماندم تا از او مراقبت کنیم.خیلی زحمتش را کشیدم. اعتقادم این است که از آن همه سوختگی در کودکی جان سالم بدر برد تا با آتش گلوله‌ای برود که برای اسلام و وطنش به شهادت برسد و حرف‌های آخر مادر شهید که دنیا و عقبی را با هم برای ما طلب کرده است این‌گونه است.

برای عاقبت به‌خیری و اقتصاد و امنیت جامعه دعا می‌کنم و می‌خواهم به جوان‌ها بگویم ما مسلمان هستیم حجاب را رعایت کنند.

از بی‌بی سکینه خداحافظی می‌کنم به سختی می‌تواند از جایش بلند شود و مهمانش را بدرقه کند آن‌قدر که خمیدگی کمر رمق را از چابکی پاهایش گرفته است از کنار صفای دلنشین کبوترها مسیر برگشت را دنبال می‌کنم. میان بال‌بال زدن‌های کبوترها به واژه‌های پراکنده در ذهنم فکر می‌کنم که سید مهدی می‌توانست امروز باشد و عصای پاهای ناتوان مادر باشد. اما رفت. آن هم برای آرمانی عمیق... چقدر از این آرمان عملی شده است وچقدر آن بر زمین مانده است؟ پرونده زندگی سید مهدی آل عمران در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۹ در سن ۲۱ سالگی همزمان با لحظه تحویل سال در منطقه شرق دجله در عرش الهی بسته شد. جوانان ۲۱ساله امروز ما چقدر از مسیر و آرمان امثال سید مهدی‌ها باخبرند؟

قلمدار مهاجر

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

۳۳۱۱۰۲۰۲
۳۳۱۱۳۵۱۹
۳۳۱۱۰۲۱۰
۳۳۱۱۸۰۵۰

مرکز

۳۳۱۱۸۰۵۲
۳۳۹۱۱۵۶۸
۳۳۱۱۹۲۳۶
۳۳۱۱۲۱۹۵
۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۳۰۸۵
۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب

سعدی	۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱
شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال

قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری	۸۸۸۰۱۵۵۲ - ۸۸۹۰۰۸۶۷
شهرآرا	۱۱-۶۶۵۹۳۰۱۰ -۶۶۵۹۲۲۶۶

شرق – غرب

شهریار	۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
	۶۵۲۲۲۹۳۳
کرج	۳۲۲۲۴۴۱۱ ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳
دماوند	۷۶۳۲۱۹۳۸

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

آگهی‌های مفقودی

پلاک، کارت موتور، برگ سبز موتورسیکلت هوندا تیتان قرمز به شماره شاسی ۷۱A۸۱۰۰۱۰۱ و شماره موتور ۰۹۶۲ ۵۰۰۰ و به شماره پلاک ۹۹۸۵۸ ایران ۱۱۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

لوازم یدکی خودرو

خرید و فروش فیش حج – مکه

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی
تویوتا– لکسوس (بازار)
۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰– ۳۳۹۹۰۰۱۷

خرید و فروش ویژه فیش حج
تمتع و عمره بهترین قیمت
انتقال مالکیت یک روزه
۰۲۱-۹۱۰۰۳۶۰۳

برگ سبز خودرو پژو پارس مدل ۱۴۰۱ به شماره انتظامی ۵۴۸ و ۳۴– ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۲۵K۰۰۹۷۴۱۷ و شماره شاسی ۸۱۹۶۲۸ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پراید مدل ۹۵ به شماره انتظامی ۲۵۹ م ۷۵- ایران ۴۱ به شماره موتور M۱۳/۵۷۰۹۱۱۷ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۳۶۰۸۸۰۵ مفقود فاقد اعتبار است.

برگ سبز دنا DENA۰EFVTCA سفید مدل ۱۴۰۱ شاسی NAAW۶۱HU۲NE۷۱۸۷۹۰ به پلاک ۸۲۸ ه۷۳ ایران ۲۹ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند مالکیت و برگ سبز پژو پارس مدل ۱۳۹۰ شماره انتظامی ۹۴۷ د۹۸ ایران ۷۹ بشماره موتور ۱۲۴۹۰۰۷۰۶۰۰ و شماره شاسی NAAN۲۱CA۷BK۴۵۷۳۶۹ بنام علی‌اکبر کیوان‌نیا مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بوئین‌زهرا

سند کمپانی، شناسنامه مالکیت(برگ سبز) و کارت شناسایی موتورسیکلت هوندا ۱۲۵ مدل ۱۳۸۸ شماره انتظامی ۳۹۷۵۸–۵۳۹ به شماره تنه ۰۰۴۵ و شماره موتور ۸۸۰۰۴۵۱ بنام مجتبی چنگایی شماره ملی ۴۰۶۰۰۰۳۹۸۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو وانت دوکابین مزدا مدل ۱۳۸۳ رنگ بژ متالیک به شماره موتور ۴۵۹۵۸۶ شماره شاسی ۸۲۲۰E۰۲۱۶۵ بنام زبیر رضائی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز دنا پلاس مدل ۱۴۰۱ شاسی NE۳۱۱۹۷۹ موتور ۱۵۳H۰۱۰۹۹۱۴ پلاک ۲۹۵ ص ۵۵- ایران ۳۷ مفقود و اعتبار ندارد.

سند کمپانی، شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و کارت هوشمند تراکتور ۴۷۵ تک محور مدل ۱۳۹۴ شماره انتظامی۵۲۹ک۱۸ ایران ۵۹ به‌شماره شاسیN۳HKTAD۱CFEQ۱۱۰۹۳ و شماره موتور MT۴A۲W۰۳۶۶D به نام حامد مهدیان شماره ملی ۲۲۴۰۰۷۳۳۴۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت شناسایی سواری پیکان تیپ ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ۲۳۷ ه ۹۲ ایران ۴۳ و شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۰۲۹۶۷ و شاسی ۸۱۵۰۲۸۳۱ به نام حسین محمدی به کد ملی ۶۲۰۹۹۵۴۶۰۱ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین‌شهر

برگ سبز و کارت مشخصات سواری رانا TU۵ به شماره انتظامی ۷۵۶ م ۶۲ ایران۶۳ مدل ۹۴ موتور ۱۶۳B۰۲۰۳۳۵۲۰ شاسی NAAU۰۱FE۴FT۱۱۱۹۳۶ به نام کرامت عباسی معصومی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پراید مدل ۸۵ به شماره انتظامی ۲۴۸ م ۸۹- ایران ۴۱ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۰۱۱۳۳۰ و شماره موتور ۱۸۱۱۱۱۰ مفقود فاقد اعتبار است.

برگ سبز سواری پژو PARSTU۵ به شماره انتظامی ۸۳۵ ط ۴۶ ایران ۷۳ مدل ۹۸ موتور ۱۶۴B۰۲۲۵۸۴۰ شاسی NAAN۱۱FE۰KH۵۲۴۱۳۰ به نام زهرا دیانت مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو وانت نیسان تیپ ۲۴۰۰به شماره انتظامی ۳۶۵ ط ۹۵– ایران ۱۹، به رنگ آبی– روغنی مدل ۱۳۸۶ و شماره موتور ۳۹۲۱۴۵ و شماره شاسی K۱۰۴۱۳۲ به نام آقای علی اشرف‌اسمعیلی به شماره ملی ۳۲۵۸۱۶۷۰۹۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ کمپانی تراکتور کشاورزی ۲۸۵ تک دیفرانسیل مدل ۸۹ به شماره انتظامی ۳۷۱ ک ۲۲ ایران ۷۹ شماره موتور LFW۰۴۳۹۰W و شماره شاسی J۰۴۹۷۲ به نام سید کمال حسینی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بوئین‌زهرا.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری سایپا تیپ ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید- روغنی به شماره موتور M۱۳/۶۰۷۳۵۰۹ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰J۳۴۲۷۸۱۶ و شماره انتظامی ۱۷۱ ب۲۲–ایران۶۹ به نام جمشید گل‌محمدی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری سمند LXEF۷CNGبه شماره پلاک ۴۶۱ ص ۶۴– ایران ۲۴ به رنگ سفید مدل ۱۳۹۴ و شماره موتور ۱۴۷H۰۱۵۲۰۲۸ وشماره‌شاسی NAACJ۱JW۲FF۵۱۱۳۷۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب مهدی جوکانی، مالک خودروی سواری رانا پلاس TU۵، مدل ۱۴۰۰، رنگ سفید، به شماره انتظامی ۹۱۵ س ۵۶ ایران ۹۹ به شماره شاسی NAAU۰۱FE۹MT۲۹۱۷۱۸ و شماره موتور ۱۷۲B۰۰۷۲۹۳۱ بعلت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران– کرج، شهرک پیکانشهر، ساختمان سمند، طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

سند مالکیت و کلیه مدارک خودرو سواری پژو پارس مدل ۸۴ به رنگ نقره‌ای پلاک ۶۷۳ م ۱۵ ایران–۹۹ بنام محمد بازدار شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۲۲۴۹۶ شماره شاسی ۱۹۳۰۶۹۰۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پراید GTXI مدل ۱۳۸۷، رنگ نوک مدادی متالیک به شماره پلاک ۵۵۹ د ۴۴ ایران ۵۲ و شماره موتور ۲۵۷۵۱۳۷ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۵۲۳۴۹۹ به نام محمدرضا صادقی کد ملی ۰۹۴۵۲۳۴۵۰۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب عبدالحسین منفرد مالک سواری پژو ۲۰۶ به شماره انتظامی ۱۳۳ ب ۵۶ ایران ۴۸ موتور ۱۰FSE۳۳۶۸۳۲۶۳ شاسی ۸۰۶۰۹۹۵۷ به علت مفقودی سند کمپانی و برگ سبز تقاضای رونوشت المثنی نموده‌ام چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد. ضمنا مدارک مفقود شده، فاقد اعتبار است. مدت اعتبار این آگهی یکسال است.

مجمع عمومی فوق‌العاده موسسه پیشگامان نظم‌گستر مرساد
به شماره ثبت ۳۴۶۸۳
و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۴۲۵۰۸۰

در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۸ ساعت ۱۱ صبح در محل موسسه تشکیل می‌گردد. لذا از اعضا و سهامداران محترم دعوت می‌گردد در تاریخ و ساعت مقرر در محل دفتر موسسه حضور یابند.

تصمیمات:
۱ – تعیین مدیر تسویه
۲ – انحلال موسسه

مدیرعامل – اتابک انوشه

اخطاریه

احتراما با عنایت به درخواست آقای محمدجواد قاسم لویی طی وکالت به شماره ۷۶۶۷۱ مورخ ۹۹/۲/۱۶ دفتر ۲۲۸ تهران از طرف آقای ابراهیم توکلی احد از مالکین، جهت صدور سند کاداستری پلاک ثبتی ۱۲/۴۸ نظر به حدی بودن پلاک و فاقد مساحت بودن آن در اجرای کد ۹۱۴ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی مراتب بازدید میدانی در مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۴ ساعت ۱۲ صبح روز یکشنبه تعیین وقت شده است لذا بدین‌وسیله مراتب به شما به عنوان ذینفع/ مالک مجاور پلاک مذکور ابلاغ تا در وقت مقرر با مدارک و مستندات در محل حاضر شوید. عدم حضور شما مانع ادامه رسیدگی نمی‌باشد.

سلمان قنبری
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک رودهن

مجله زن روز روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

آگهی حق تقدم افزایش سرمایه
شرکت ورنکو (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۲۰۳۸۰
و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۵۹۲۸۶

پیرو مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۶ مبنی بر افزایش سرمایه و تفویض اختیار عملی نمودن افزایش سرمایه به هیئت مدیره مراتب به شرح ذیل به اطلاع کلیه سهامداران میرسد مقرر است که سرمایه شرکت از مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۴۰۰۰۰ سهم ۵۰۰۰۰ ریالی با نام به مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰۰۰ سهم ۵۰۰۰۰ ریالی با نام و از محل آورده نقدی افزایش یابد لذا در اجرای مفاد ماده ۱۶۶ تا ۱۶۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت اعلام می‌گردد هر سهامدار به نسبت هر سهم خود دارای ۱/۵ سهم حق تقدم خرید سهام جدید را دارا می‌باشند و بایستی مبلغ حق تقدم خود را ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی به حساب ۱۳۷۸۸۰۰۱۸۸۰۳۳ بانک سپه شعبه میرزای شیرازی کد ۱۵۰۰۵۶۰ واریز نموده و فیش واریزی را به دفتر هیئت مدیره شرکت تحویل نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر و در صورت عدم استفاده از حق تقدم خود هیئت مدیره مجاز خواهد بود حق تقدم‌های استفاده نشده را به هرکس که صلاح بداند واگذار نماید یا سرمایه را به مبلغ واریزی افزایش دهد.

هیئت مدیره

قبول آگهی تلفنی
از ۸ الی ۱۸
تلفن: ۹-۳۳۱۱۲۲۹۱ و فکس ۳۳۱۱۸۰۵۳

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۱

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۱۸/۰۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰	۴/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۶۳/۰۰۰/۰۰۰	۳۱/۵۰۰/۰۰۰	۱۵/۷۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۶۳/۰۰۰/۰۰۰	۳۱/۵۰۰/۰۰۰	۱۵/۷۵۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۱۰/۹۲۰/۰۰۰	۵/۴۶۰/۰۰۰	۲/۷۳۰/۰۰۰
مجله زن روز	۱۰/۹۲۰/۰۰۰	۵/۴۶۰/۰۰۰	۲/۷۳۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۴/۴۱۰/۰۰۰	۲/۲۰۵/۰۰۰	۱/۱۰۳/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۹۶۰/۰۰۰	———	———

توجه

۱– اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲– یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳– در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴– در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵– قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام قرار داده به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا

نام: .... نام خانوادگی: .... نوع نشریه: .... تعداد نسخه............ مدت............ ماه
مبلغ پرداختی: .... ریال شماره فیش بانکی: .... تلفن: .... تلفن همراه: ....
آدرس:............
کد پستی: .... پست الکترونیکی: ....

شماره اشتراک: ....

تلفن: ۰۲۱-۳۵۲۰۲۲۷۸ نمابر: ۰۲۱-۳۳۹۱۰۹۲۲ امور مشترکین موسسه کیهان

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید